

توان افزایی قدرت استدلال و شَمّ حقوقی

نقدی بر کتاب اصول فقه

● دکتر محمد امامی پور

عضو هیئت علمی دانشگاه اهل بیت (ع) / emam66@gmail.com

چکیده

از جمله عناوین درسی در حوزه‌های علمیه و دانشکده‌های حقوق که ابزار دقیق و اجتناب‌ناپذیری برای رسیدن به‌غایت مطلوب فقه یا حقوق محسوب می‌شود، اصول فقه است.

در بررسی کتاب حاضر به موضوع‌های مطرح‌شده و هدف از نگارش و همچنین مزایا و کاستی‌های آن اشاره شده‌است. کمرنگ‌بودن مثال‌های حقوقی و عدم اشاره به کاربرد هر یک از مباحث در استنباط حقوقی از ایرادهای این کتاب به‌شمار می‌رود. شیوایی متن و افزودن مطالب ضروری که در سایر کتاب‌ها کمتر به‌چشم می‌خورد، همچنین تتبع در منابع فراوان را می‌توان از جمله محاسن کتاب دانست.

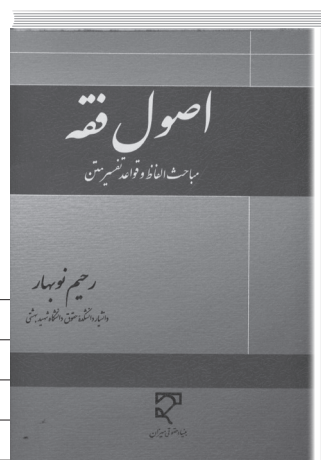
کلیدواژه

مفهوم، اصول لفظی، حقیقت و مجاز، عام‌وخاص، مطلق و مقید.

۱. مقدمه

موضوع کتاب حاضر «اصول فقه» است؛ درسی که در رشته‌های مختلف دانشگاهی به‌ویژه دانشکده‌های حقوق و الهیات در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می‌شود.

در حوزه‌های علمیه نیز چنان اهمیتی دارد که محصلان علوم دینی پس از پایان دوره ادبیات عرب، علم اصول را به‌موازات فقه، بی‌وقفه ادامه می‌دهند و عمدتاً حوزه‌های درسی در سطوح مختلف به دو پایه فقه و اصول فقه استوار است.



■ نوبهار، رحیم. (۱۳۹۵)، اصول فقه: مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن، تهران، میزان، ۲۷۲ ص، ۱۸۰۰۰۰ ریال.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۷۸۰-۹

فصلنامه نقدکتاب

فقه و حقوق

سال دوم، شماره ۸
زمستان ۱۳۹۵

۷۰

۱-۱. ضرورت بحث

به لحاظ این که حقوق دان متبحر فردی است که باید قدرت استنباط و فهم قانون و توان استدلال داشته باشد و موارد نقص یا خلأ قانونی را با تفسیر صحیح و تحلیل مواد موجود جبران کند و مباحث اصول فقه در ایجاد و تقویت چنین نیرویی نقش به‌سزایی دارد، تألیف چنین کتاب‌هایی که به این امر مهم کمک کند، ضرورتی انکارناپذیر است.

۲-۱. مخاطبان کتاب

اگرچه عمده مخاطبان این اثر، دانشجویان رشته حقوق یا فقه و حقوق هستند، اما قضات، وکلاء و دانشجویان سایر رشته‌های مرتبط نیز می‌توانند از مطالب سودمند آن بهره ببرند و در روش استنباط از مطالب مطرح‌شده در این کتاب استفاده کنند.

۳-۱. هدف از نگارش کتاب

نویسنده تحت عنوان «درآمد» به‌طور مبسوط طی ۱۴ صفحه به اهمیت و فایده علم اصول و رسالت این دانش در دانشکده‌های حقوق پرداخته است. وی هدف از درس اصول فقه را تقویت شمه حقوقی و استدلال بیان کرده است. همچنین به ضرورت تفکیک مباحث متعدد اصول فقه و حذف آن دسته مطالبی که تنها به فقه و فقهات مربوط می‌شود و کمتر در علم حقوق کارایی دارد، اشاره کرده و مباحث مقدمه واجب، موقعیت تشریحات نبوی(ص) و امامان(ع) نسبت به احکامی که در قرآن مجید بیان شده، اعتبار اجماع و دلالت امر بر نهی از ضد عام و خاص

را از جمله این موارد می‌داند. علاوه‌بر این، نویسندگان از طرح دستة دیگری از مباحث اصول فقه که دیگران به حد کافی از آن‌ها سخن گفته‌اند، خودداری کرده و اظهار می‌دارد: «من شخصاً می‌کوشم تا در زمینه‌هایی که آثار قلمی کافی وجود دارد، دست‌به‌قلم نبرم. با این حال، به‌رغم وجود نوشته‌های سودمند و فراوان درباره‌ی اصول فقه یا اصول استنباط به‌علت اهمیت نکات پیش‌گفته که در عین حال مورد توجه قرار نگرفته‌است به چاپ این مجموعه که محصول بیش از دو دهه تجربه تدریس در حوزه و دانشگاه است، اقدام نمودم».

به‌منظور سهولت دسترسی به مباحث سعی شده‌است مطالب کتاب براساس سرفصل مصوب وزارت علوم چینش شود و مباحث مهم الفاظ و ادله استنباط احکام را که تحت عنوان اصول فقه (۱) در دانشگاه‌ها ارائه می‌شود، پوشش دهد.

۴-۱. معرفی کتاب

فصل اول کتاب حاضر مشتمل بر ۱۵ فصل است که به ترتیب، کلیات و مباحث مقدماتی، مباحث وضع، حقیقت و مجاز، دلالت و گونه‌های آن، اصول لفظی، مباحث امر، انواع و جوب، مباحث نهی، مفهوم و گونه‌های آن، عام و خاص، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، مجمل و مبین، اصول و قواعد کلی تفسیر متن و قواعد کلی حل تعارض متن محتوای کتاب را تشکیل می‌دهند.

در فصل دوم معنا، حقیقت و اقسام وضع، همین‌طور مترادف و اشتراک و استعمال لفظ در بیش از یک معنا مطرح شده‌است. تقریباً تمام کتاب‌های اصولی مباحث الفاظ را با بحث وضع شروع می‌کنند؛ زیرا دلالت لفظ بر معنا تبعی نیست، بلکه قراردادی یا همان وضعی است و برای درک صحیح معنا ضرورت دارد گوینده و شنونده هر دو، از معنایی که یک واژه برای آن وضع شده‌است آگاه باشند.

مباحث حقیقت و مجاز، گونه‌های استدلال حقیقی و حقیقت شرعی و قانونی و همین‌طور نشانه‌های شناسایی حقیقت و مجاز فصل سوم را تشکیل می‌دهد. یکی از ضروریات قانون‌گذاری، استفاده از الفاظ حقیقت است و نباید قانون‌گذار حتی با نصب قرینه از الفاظ مجاز استفاده کند. برای پی‌بردن به اهمیت این فصل و نقش کاربردی آن برای دست‌اندرکاران رشته حقوق، بخش‌هایی از جملات مؤلف را تحت عنوان حکم شک در حقیقت شرعی و قانونی ذکر می‌کنیم: «اگر لفظی در متن

قانون به کار رود و قرینه‌ای وجود نداشته باشد، آیا باید آن را بر معنای قانونی حمل کرد یا معنای رایج نزد عرف اهل حقوق و قانون یا معنای لغوی؟». پاسخ این سؤال این گونه بیان شده است: «در محیط قانون‌گذاری هرگاه قانون‌گذار واژه‌ای را برای معنایی وضع کند (حقیقت قانونی) باید در تفسیر و تعبیر آن واژه یا اصطلاح از وضع قانون‌گذار پیروی کرد و نمی‌توان از آن معنی فراتر رفت؛ مانند این که قانون‌گذار در مقررات کلمات داده‌های سری، گردشگر و حبابه را تعریف کند. به همین ترتیب، اگر در متن قانون آمده باشد که اگر کسی مورث خود را چه به تسبیب و چه به مباشرت یا به شراکت بکشد از ارث محروم می‌شود؛ درست است که شریک در جرم، در عرف عام، گاه دارای چنان معنایی است که معاون جرم را هم شامل می‌شود؛ اما با توجه به این که قانون‌گذار منظور خود از شریک جرم را روشن کرده است، نمی‌توان شریک را به چنان معنای عامی تفسیر کرد که معاون در جرم را هم دربرگیرد» (ص ۶۸). این فصل با بیان نشانه‌های شناسایی حقیقت و مجاز و بحث کاربردهای حقیقی و مجازی واژه مشتق به پایان می‌رسد.

نویسنده در فصل چهارم در حدود سه صفحه به گونه‌های دلالت و تعریف دلالت تصویری و تصدیقی به‌طور گذرا اشاره می‌کند. مباحث فصل پنجم را بیان اصول لفظی که اثر کاربردی دارد و در تفسیر قانون با اهمیت است، تشکیل می‌دهد. به تعبیر نویسنده این اصول زمانی کاربرد دارد که ما معنای موضوع‌له لفظ را می‌دانیم، ولی تردید داریم که در مقام استعمال، کدام معنا از لفظ اراده شده است. غالباً کتاب‌های اصولی به بیان پنج اصل می‌پردازند، اصول مزبور عبارت‌اند از: اصل حقیقت، اصل عموم، اصل اطلاق، اصل عدم تقدیر و اصل ظهور؛ اما نویسنده اصل ششمی را به نام اصل جدیدت مورد بحث قرار داده است. بدین معنا که هرگاه تردید شود که گوینده لفظ یا کلام، در مقام جد بوده است یا نه، اصل بر جدی بودن او نهاده می‌شود. فصل‌های ششم و هفتم به مباحث امر و انواع وجوب پرداخته و دلالت امر بر وجوب و امر پس از منع و موضوع‌های مشابه آن بررسی شده است. اقسام واجب مانند معلق و منجر، نفسی و غیره، اصلی و تبعی از دیگر مطالب مطرح شده در این دو فصل هستند. مباحث فصل هشتم را دو بحث مدلول نهی و دلالت نهی بر فساد تشکیل می‌دهد و به یکی از موضوع‌های کاربردی حقوق؛ یعنی وضعیت حقوقی اعمال حقوقی که مورد نهی قرار گرفته‌اند، می‌پردازد.

غالباً کتاب‌های اصولی به بیان پنج اصل می‌پردازند، اصول مزبور عبارت‌اند از: اصل حقیقت، اصل عموم، اصل اطلاق، اصل عدم تقدیر و اصل ظهور؛ اما نویسنده اصل ششمی را به نام اصل جدیدت مورد بحث قرار داده است. بدین معنا که هرگاه تردید شود که گوینده لفظ یا کلام، در مقام جد بوده است یا نه، اصل بر جدی بودن او نهاده می‌شود.

فصل نهم برخلاف فصل‌های پیشین ۲۵ صفحه را به خود اختصاص داده‌است و می‌توان آن را ازجمله مهم‌ترین مباحث اصول فقه دانست. انتقال مفاهیم بین انسان‌ها غالباً با منطق الفاظ صورت می‌گیرد، اما گاهی امکان پیام‌رسانی نیست، مگر با منطق و به‌جای به‌کاربردن صدها جمله، با بیان یک جمله عام یا مطلق همان هدف محقق می‌شود. ارزش و اعتبار مفهوم کلام هیچ تفاوتی با منطق ندارد و دادرس برای صدور حکم به مفهوم مواد قانونی نیز می‌تواند استناد کند. بدین لحاظ، تشخیص دایره مفاهیم و شناخت معیارهای اخذ مفهوم اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند.

فصل‌های دهم و یازدهم نیز بحث‌های عام و خاص و ناسخ و منسوخ را پوشش داده‌است و تفاوت ظریف و تأثیرگذار تخصیص و نسخ جزئی در این دو فصل بررسی شده‌است. مطلق و مقید و مقدمات حکمت ازجمله مطالب فصل دوازدهم است. فصل سیزدهم نیز به تعریف مجمل و مبین و گونه‌های اجمال پرداخته‌است.

فصل چهاردهم به اصول و قواعد کلی تفسیر متن اختصاص یافته‌است. قواعدی چون قاعده تقدیم دلیل حاکم بر محکوم، قاعده تقدیم نص بر ظاهر و در مجموع، ۱۸ قاعده مطرح و بررسی شده‌اند. جای این فصل که حدود ۲۰ صفحه است، در سایر آثار مشابه آن خالی است و کمتر این قواعد را به‌صورت منظم و یک‌جا ذکر کرده‌اند. از این رو می‌توان مباحث فصل چهاردهم را از امتیازها و ویژگی دیگر این اثر دانست.

نویسنده در فصل پایانی که مبسوط‌ترین فصل این کتاب است، قواعد کلی حل تعارض متن را بررسی کرده و قواعد پراکنده در سراسر متون اصولی را به‌دقت و زیبایی خاصی جمع‌آوری و به‌صورت یک‌جا با بیانی شیوا تبیین کرده‌است. در مجموع ۱۴ قاعده مانند تقدیم ترجیح دلالتی بر دیگر ترجیحات، تقدیم عام ضعیف بر عام قوی برای تخصیص، تقدیم عام بر مطلق در فرض تعارض و قواعدی دیگر تشریح شده‌است.

۵-۱. معرفی مؤلف و آثار وی

دکتر رحیم نوبهار، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی است. وی علاوه بر تحصیلات حوزوی و آشنایی قابل‌تحسین با علوم اسلامی، حقوق جزا و جرم‌شناسی را نیز تا وصول به مرحله دکتری طی کرده‌است. او تاکنون بیست کتاب در زمینه‌های حقوق یا علوم اسلامی نوشته‌است. وی

همچنین ۵۰ مقاله در موضوع‌های تعالیم دینی و مسائل حقوقی منتشر یا در همایش‌های علمی ارائه کرده‌است.

۲. نقد و بررسی کتاب

۱-۲. محاسن و امتیازهای کتاب

(الف) برای تألیف این اثر ارزشمند حدود ۱۴۰ منبع عربی، فارسی و لاتین دیده شده که حکایت از تتبع وسیع و ژرف‌نگری نویسنده می‌کند. فهرست آیات و نمایهٔ احادیث و همچنین نمایهٔ موضوع‌ها و اعلام، از دیگر امتیازهای این کتاب است که خواننده می‌تواند به راحتی به مطالب موردنیاز دسترسی پیدا کند.

(ب) از ویژگی‌ها و تفاوت‌های تألیف حاضر در مقایسه با آثار رایج، پرداختن اجمالی به «نظریهٔ معنا» یا همان Theory of meaning است. به بیان مؤلف، تفسیر متن بدون داشتن نظریهٔ بنیادی دربارهٔ معنا با کاستی جدی روبه‌روست. این اثر کوشیده‌است از وضعیت نظریهٔ معنا در اصول فقه و چالش‌های آن تصویری کلی به دست دهد.

(ج) از جمله مزایای فصل چهارم برداشت مؤلف از بحث گونه‌های دلالت است که در سایر کتاب‌های اصولی کمتر به آن اشاره شده‌است. دلالت تصویری، دلالت لفظ بر معناست، حتی اگر گویندهٔ متن، آن را تصور نکرده باشد. در واقع آنچه از لفظ به ذهن می‌آید را دلالت تصویری می‌نامند؛ اما دلالت تصدیقی به مفهوم مراد استعمالی گوینده است و در حقیقت، دلالت لفظ بر معنای مورد نظر گوینده است. نویسنده به این نکته اشاره می‌کند که اگر دلالت را منحصر در تصدیقی بدانیم پیوسته باید به دنبال قصد اصلی گوینده باشیم، ولی پذیرش دلالت تصویری به معنای آن است که لفظ ممکن است معنایی داشته باشد که مقصود گوینده یا نویسنده نیست.

۲-۲. کاستی‌های کتاب

به منظور نقد علمی این اثر ارزنده، مطالب آن را از دو زاویه بررسی می‌کنیم: تأثیرگذاری مطالب در تقویت شِمّ حقوقی آن و قدرت استدلال و زاویهٔ دیگر، کاربردی بودن و صبغهٔ حقوقی داشتن مباحث مطرح شده در کتاب. (الف) در فصل دوم، وضع و انواع آن با بیانی شیوا توضیح داده شده‌است؛ اما به لحاظ ارتباط، بحث وضع تعینی به بحث حقیقت قانونی دارد که به این ارتباط و تفاوت با یکدیگر اشاره نشده‌است. همچنین بهتر بود در پایان فصل به کاربرد مطالب مطرح شده در علم حقوق و نقش آن در

برای تألیف این اثر ارزشمند حدود ۱۴۰ منبع عربی، فارسی و لاتین دیده شده که حکایت از تتبع وسیع و ژرف‌نگری نویسنده می‌کند. فهرست آیات و نمایهٔ احادیث و همچنین نمایهٔ موضوع‌ها و اعلام، از دیگر امتیازهای این کتاب است که خواننده می‌تواند به راحتی به مطالب موردنیاز دسترسی پیدا کند

تقویت شَمّ حقوقی که هدف تألیف کتاب است، اشاره‌ای می‌شد. (ب) در فصل سوم مباحث مهمی مطرح و به‌خوبی تبیین شده‌است؛ اما باید اذعان داشت برخی از مباحث این فصل مانند بحث مشتق برای دانشجوی حقوق چندان کاربردی نیست و فقدان مثال‌های حقوقی گواه بر این امر است.

(ج) مسائل مطرح‌شده در سایر فصل‌ها بسیار دقیق و علمی است؛ اما با توجه به این‌که مخاطب اصلی این کتاب دانشجویان حقوق هستند، لازم بود به نقش و ضرورت مطالب آن فصول در ارتقای توان استدلال و کاربرد آن در حقوق اشاره‌ای می‌شد. همچنین بهتر بود از مثال‌های حقوقی استفاده می‌شد تا کاربرد این مطالب در علم حقوق مشخص شود. برای مثال در بحث مفاهیم، مثال‌های حقوقی فراوانی وجود دارد که با مراجعه به مواد قانونی می‌توان نمونه‌هایی را ذکر کرد.

۳. جمع‌بندی

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، ساده‌نویسی به‌گونه‌ای که حتی برای دانشجوی کارشناسی، فهم مطالب مشکل نباشد، بالابردن قدرت استدلال و استنباط خواننده کتاب و حذف مطالب غیرضروری از جمله اهداف تألیف بیان شده‌است. باید اذعان داشت که نویسنده توانا در تحقق هر سه هدف موفق بوده و تجربه طولانی‌مدت تدریس، ایشان را در نیل به اهداف مزبور یاری رسانده‌است. موفقیت نویسنده در تأمین نیاز مخاطب نیز به‌لحاظ پیروی از سرفصل درس‌های مصوب دانشگاهی و پوشش کامل تمام مباحث موردنیاز دانشجویان، کاملاً ملموس است.